

ضربه‌های استعمار انگلیس بر صنعت بومی هند

۸ اسفند ۱۴۰۱ ساعت ۱۵:۲۹

در رابطه با ثروت افسانه‌ای هند داستان‌های زیادی نیز گفته شده است. چنانچه برخی در توصیف آن گفته‌اند: «سراسر سواحل گنگ خوش ساخت، و دارای بوستان‌ها و باغستان‌های فراوان، زر و سیم، بازرگانی و صنعت است... مدارک آن زمان جای هیچگونه شکی باقی نمی‌گذارد که جمعیت شهرهای مهم تر وضع مرفهی داشتند. جهانگردان هر یک از شهرهای آگره و فتحپور سیکری را بزرگ‌تر از لندن توصیف کرده‌اند. آنکتیل دوپرون، که در سال ۱۷۶۰ در مناطق مهراته سفر می‌کرد، خود را در میان سادگی و سعادت عصر طلایی یافته است؛ مردم شاد، پر نیرو و در سلامت کامل بودند».

بسیاری معتقدند استعمارگران با ورود خود به مستعمرات، آبادانی را برای آنان به ارمغان برده‌اند. به اعتقاد این گروه، مستعمرات تا پیش از ورود کشورهای استعمارگر، کشورهای فقیر بوده‌اند و فاقد هر گونه توسعه سیاسی و اقتصادی بودند. این دیدگاه مورد مخالفت گروه‌های زیادی قرار گرفته است. مخالفان معتقدند نه تنها بسیاری از مستعمرات فقیر و عقب مانده نبوده‌اند، بلکه دارای صنایع بومی پیشرفته‌ای نیز بوده‌اند. بنابراین استعمار گذشته از آنکه هیچ نقشی در آبادانی مستعمرات نداشته، در بسیاری از موارد بر ساختار اقتصادی و سیاسی آنها از جمله صنایع بومی نیز ضربه‌های مهلک وارد ساخته است. استعمار انگلیس بر هند را می‌توان نمونه‌ای از این ادعا دانست.

نگاهی مختصر به روند شکل‌گیری استعمار انگلیس بر هند

ریشه ورود استعمار به هند به آغاز تکاپوهای استعماری اواخر قرن پانزدهم بازمی‌گردد. در این قرن هنری هفتم، شاه انگلیس به یک جوان به نام جان کبت فرمان داد تا برای پادشاهی انگلستان سرزمین‌های تازه‌ای بیابد. او در سال ۱۴۹۷ میلادی به راه افتاد و کرانه‌های خاوری آمریکای شمالی را به تصرف انگلیس درآورد. انگلیس، کم‌کم سلطه خویش را به سوی شرق گسترش داد و در سال ۱۵۵۹ میلادی اولین شرکت انگلیسی، برای تجارت هند شرقی به نام شرکت تاجران لندن تشکیل شد. بعد از آن انگلیس توانست بتدریج در این کشور نفوذ کند و در نهایت با تسخیر هندوستان، کمپانی هند شرقی را تشکیل دهد. ۱. کمپانی هند شرقی، نقش مهمی در تخریب تجارت و صنعت هند داشت. زیرا تاسیس این کمپانی باعث شد که انحصار تجارت یک کالا یا یک قلمرو معین را به دست خود بگیرند. یکی از نویسندگان انگلیسی، این نظام را نوعی سوسیالیسم دولتی می‌خواند که تنها نظام اقتصادی انگلستان به شمار می‌رفت. این وضع تا زمان پیدایش جنبش تجارت آزاد ادامه داشت. ۲. بر این اساس «کمپانی هند شرقی» که یک شرکت بازرگانی بود بر هند حکومت می‌کرد و سرنوشت هند در دست یک مشت ماجراجوی بازرگان بود؛ حکومت تا اندازه زیادی به معنای بازرگانی و بازرگانی هم به معنای غارت و چپاول بود. و هر سال سودهای

هنگامی معادل صد تا صد و پنجاه و حتی بیش از دویست درصد به سهام داران کمپانی پرداخت می شد، لذا هند به مثابه یکی از مهم ترین پایه های دستگاه اقتصادی انگلیس به شمار می آمد. «۳»

از غارت ثروت تا تخریب صنعت

ورود انگلیس به هندوستان با غارت این کشور همراه بود. همانطور که گفته شد این غارت از طریق عوامل مختلفی همچون تاسیس کمپانی هند شرقی صورت گرفت. در واقع دلیل اصلی استعمار انگلیس بر هند نیز چیزی جز ثروت آن نبود. هند در آن دوره یکی از کشورهای ثروتمند بود و در تولید بسیاری از محصولات پیشتاز بود. این کشور از دیرباز به دلیل محصولات کشاورزی خوراکی مانند ادویه، چای و غیرخوراکی مانند پارچه و پنبه مورد توجه بود. «۴»

بر این اساس، در رابطه با ثروت افسانه‌ای هند داستان‌های زیادی نیز گفته شده است. چنانچه برخی در توصیف آن گفته‌اند: «سراسر سواحل گنگ خوش ساخت، و دارای بوستان‌ها و باغستان‌های فراوان، زر و سیم، بازرگانی و صنعت است... مدارک آن زمان جای هیچگونه شکی باقی نمی‌گذارد که جمعیت شهرهای مهم تر وضع مرفهی داشتند. جهانگردان هر یک از شهرهای آگره و فتحپور سیکری را بزرگ‌تر از لندن توصیف کرده‌اند. آنکتیل دوپرون، که در سال ۱۷۶۰ در مناطق مه‌رته سفر می‌کرد، خود را در میان سادگی و سعادت عصر طلایی یافته است؛ مردم شاد، پر نیرو و در سلامت کامل بودند.» «۵»

انگلیس به خوبی از ثروت و صنعت هند بهره برد. در یک نمونه می‌توان به غارت شکر توسط این کشور اشاره کرد. مطابق با اسناد و شواهد موجود «در سال ۱۷۰۰م. شکر وارد شده به انگلیس پنجاه هزار خمره - هر خمره برابر با حدود چهار گالن - بود که در سال ۱۷۵۳م. دو برابر شد و به صد هزار خمره رسید، کل حجم شکر تولید شده در مستعمرات انگلیسی جزایر هند غربی، از آغاز تصرف این جزیره به وسیله انگلیسی‌ها تا زمان لغو برده داری، بیش از ده میلیون تن گزارش شده است. نتیجه و پیامد این تاراج منابع، چنان که پل باران می‌گوید: شکل‌گیری «انقلاب صنعتی» در «انگلستان» بود و گرنه پیش از سال ۱۷۶۰م. دستگاه‌های نخ رسی لانکشاير، با دستگاه‌های مشابه در هند و ایران و چین تفاوتی نداشت.» «۶»

در این رابطه، انقلاب صنعتی نقش مهمی در تخریب صنایع بومی کشورهای تحت استعمار داشت. کشورهای صنعتی که جهت تامین صنایع نوپای خود نیاز به مواد خام داشتند، از سیاست تخریب صنایع بومی کشورهای تحت استعمار به خوبی در جهت تامین مقاصد سیاسی و اقتصادی خود بهره بردند. تخریب صنایع بومی، علاوه بر وابسته کردن کشورهای تحت استعمار، باعث می‌شد تا مواد خامی که به مصرف آن صنایع می‌رسید در اختیار کشورهای استعمارگر قرار گیرد.

این موضوع ضربه مهلکی بر صنایع بومی هند بود. در واقع هند مانند بسیاری از کشورهای با سابقه جهان سومی و با تجربه استعمار بریتانیا به چالشی عظیم کشیده شد که توان این کشور را به مدت طولانی به هدر می‌داد. علاوه بر این، تلاش هند مدت‌ها برای تأمین صرف امیال و منافع استعمارگران بود. تا جایی که بسیاری از صنایع و فعالیت‌های اقتصادی هرچند بومی اما پر رونق هند در مدت استعمار به نابودی کشیده شد و از ساختار و نمادهای هند کمتر چیزی باقی ماند. «۷»

گذشته از این، انگلیس با ضربه زدن به صنعت هند، از نظر سیاسی نیز توانست وضعیت را به نفع خود تغییر دهد، زیرا این موضوع باعث شد تا بر دامنه فقر مردم افزوده شود و تمام توان فکری و جسمی آنها برای گذران زندگی معطوف شود، نه علیه مبارزه با استعمار. از بین بردن صنعت بومی، عامل مهمی در عدم شکل‌گیری بورژوازی ملی بود. طبقه‌ای که وجود آن در ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور توسعه یافته‌ای بسیار ضروری است.

سخن نهایی

تخریب زیرساخت‌های صنعتی و تجاری هند به گونه‌ای بود که حتی بعد از استقلال این کشور از انگلیس، تا سال‌ها توان اتکا بر خود را نداشت. انگلیس با غارت منابع طبیعی هند، گذشته از آنکه به روند صنعتی شدن و ثروتمند شدن خود افزود، با ضربه زدن بر صنایع بومی هندوستان، این کشور را به بازار محصولات خود تبدیل کرد. تا جایی که حتی بعد از استقلال هند، این کشور همچنان از نظر اقتصادی به بسیاری از کشورها وابسته بود.

فهرست منابع

۱. مصطفی اسکندری، شناخت استعمار، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۸۹، ص ۲۹.
۲. شهبازی، عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران، جلد چهارم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۸۴.
۳. اسکندری، همان، صص ۲۹-۳۰.
۴. محمدمهدی میرزایی و علی گلستانی، "تحلیل عوامل توسعه هند با تمرکز بر نقش تصمیم‌گیران" فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۲، (تابستان ۱۳۹۶) ص ۵۵.
۵. شهبازی، همان، جلد ۱، ص ۲۸۸.
۶. اسکندی، همان، ص ۲۰۶.
۷. میرزایی و گلستانی، همان، ص ۵۵.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49101/های-ضربه/1>